



آزادی هوس!

در حرابت گوشه بودند

زند شوهری در حالی که دست دختر خردسالی را در دست داشتند بداد گاه رفتند تا تکلیف یکدیگر را روشن سازند ، و در صورت لزوم از هم جدا شوند .

اختلاف این دو همسر نه بر سر مسائل فکری و ایده تئوریک بود ، و نه بخاطر اتهام به انحراف از ارزشات ، و نه خیانت مالی . و نه موضوع مهم دیگر . بلکه موضوع اختلاف فقط و فقط در آنچه کوتاهی مویس خاتم بوده است که یکی این را می پسندیده ، و دیگری آن را ، او همین مسئله آنها را بداد گاه کشانده بود ، تا بدون توجه به سر نوشت خودشان و هم سر نوشت فرزندان خودشان از یکدیگر جدا شوند .

بدیستانه حوادثی تا بر این موضوع در اجتماع کنونی ماکم نیست ، نمونه کاملتر آنرا باید در همانجا جستجو کرد که این سوغاتیهای شرم غالباً از آنجا به سوی ما می آید و دروازه های باز افکار دنیا لرزها و غرب زده های محیط ما همیشه به روی آن باز است .

مثلاً در یکی از همین « مطبوعات قرنی » نوشته بودند که يك زن و شوهر بخاطر اینکه

سگهایشان با هم نمی ساختند و دعوا میکردند بداد گاه مراجعه کرده تقاضای طلاق نمودند اینگونه حوادث را نباید که خشک و خردی قریض کرد ، آنها حکایت از بحران وحشتناک و ریشه داری میکنند که موجودیت و خانواده ، در در زمان ما به خطر انداخته است ، این وضع نابسامان دلیل بر این است که اساس خانواده امروز از هر زمان سست تر و لرزانتر می باشد .

زن و مردی که درباره اندازه مویس سر نتوانند توافق کنند و با تواتر با اختلاف و دعوی سگهایشان خاتمه دهند چگونه می توانند در مسائل حساس و پیچیده زندگی با یکدیگر همکاری نمایند ، آیا اگر دوشر نتوانند در اندازه مویس دعوی دوست توافق کنند داد گاه می تواند پیوند خانوادگی آنها را محکم سازد و آنها را يك زوج خوشبخت گرداند ؟

سابقاً می گفتند انتخاب همسر مانند پوشیدن پیراهن نیست که انسان هر وقت بخواهد بپوشد و هر وقت نخواست از تن بیرون آورد ، بلکه انتخاب همسر را بمعنی انتخاب و شريك زندگی در طول یک عمر ، میدانستند

ولی امروز مشاهده می‌کنیم که حتی آسانتر از بیرون ساختن يك پیراهن ، سلاقه بگیرند و از یکدیگر جدا میشوند

این وضع نابسامان معلول چیست ؟ . ملول اشتباهات فراوانی است که در

اجتماعات کمونی جهان درباره شریقه حفظ پیوندهای خانوادگی مرتکب میشوند
نخستین اشتباه این است که تصور میکنند قوانین قادرند به محبت خانوادهدرون بخشند
 و اساس آنرا محکم سازند در حالی که قانون در هیچ مورد شعبقر از مورد خانواده نیست «معمولا»
 تنها زن و شوهر هستند که می‌توانند راهی برای حل مشکلات خود پیدا کنند ، و تنها آنها هستند
 که می‌توانند داور خوبی برای اختلافاتشان باشند . نهاد کامونالون

منتها باید خانواده‌ها و دختران و پسرانی که بفکر ازدواجند آنچنان راهنمایی شوند و
 پایه‌های «ایمان و اخلاق» در دل‌های آنها آنچنان تقویت گردد که تنها به ازدواج از دریچه
 «هوس» ننگرند ، و به مسئولیت‌های سنگین خود در برابر این امر جهانی توجه داشته باشند ،
 خدا را در نظر بگیرند ، و با این مسئله همچون يك بازیچه ، یا یک امر تفریحی ، نگاه نکنند ، و تصور
 نمایند که گسستن پیوند ناشوئی تنها یک مسئله خصوصی ، است که هر یو یو بخود آیفای باشد
 بلکه سر نوشت جمعی دیگر بلکه اجتماعی نیز با آن پیوسته است

بدیهی است برای تأمین این هدف آسودشای صحیح و مداوم و بی‌نگر و تبلیغات وسیع و
 حساب شده‌ای لازم است ، و تنها با یک تذکر و یاد آوری در دوا نمی‌شود

ایمان به مانی دینی و مذهبی نقش بسیار مؤثری در این زمینه می‌تواند داشته باشد ، و باید
 حداکثر استفاده را از آنها در این قسمت نمود .

اشتباه دیگر : تفسیرهای غلطی است که بوسیله پاره‌ای از مطبوعات همراه ،

و همراه گمنده ، از آزادی میشود ، و چنین منعکس میکنند که آزادی باین معنی است که
 انسان هر نوع تمهید اخلاقی و اجتماعی و انسانی را مزاحم ه هوسهای زود گذر ه خود دید آنرا
 زیر پا بگذارد و در هم بشکند ، و هیچگونه قید و بندی بر سر راه هوسهای سرکش خود باقی
 نگذارد

درواقع آزادی از نظر آنها بمعنی آزادی هوس ه تفسیر شده و نتایج شوهر و سرگبار این
 تفسیر ناگفته پیدا است

و لذا گاهی میگویند ه ازدواج جلو آزادی انسان را میگیرد ، یا ه بجهتار شدن آزادی
 انسان راسلب میکند ، و یا ه عادات و رسوم صرفی و از آن بالاتر دستورهای مذهبی آزادی انسان
 را محدود میسازد ، آزادی در این جمله‌ها جز راحت طلبی و آزادی شهوات و هوسهای سرکش
 جور دیگری نیست ، این نوع آزادی در حواصع انسانی بمعنی واقعی پیدا نمیشود بلکه باید
 آنرا در دل جنگاها و در میان حیوانات جنگلی جستجو کرد